

واکاوی دلایل شکست آبی‌ها مقابل نماینده اردن
بخت هم مهم است



استقلال به ناچار و به جای تهران در ورزشگاه آل‌مکتوم دویی، میزبان تیم الحسین اردن در مرحله یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان آسیا بود. سوی مزایای میزبانی واقعی که نماینده کشورمان از آن به طور غیرارادی محروم شد، چمن مخملی و یکدست ورزشگاه آل‌مکتوم همان چیزی بود که آبی‌پوشان برای ارائه بازی‌شان می‌خواستند.

شاگردان سایپنتو بویژه در نیمه اول از همین مزیت -زمین مطلوب - برای دیکته بازی خود به حریف بهره بردند اما باز اشکال در وزن «ضربه آخر»، آنها را در این نیمه از رسیدن به هدف بازداشت. در ۴۵ دقیقه نخست این دیدار، تیم اردنی فقط یک بار از روی ضربه کرنر خطرساز شد که ضربه سر پدرو انریکه با فاصله از کنار دروازه فرعباسی به بیرون رفت اما استقلالی‌ها که در این روز بویژه تا قبل از دریافت گل، نمایش دلپذیری داشتند، از ابتدای بازی دروازه ابولیل- سنگریان اردنی - را چندین نوبت به طور جدی تهدید کردند و همین امر نوبد پیروزی نماینده ایران را می‌داد. آنچه اما پیروزی را در همان مرحله «نوبد» متوقف کرد ۲ مساله بود:

۱- بی‌دقتی بازیکنان استقلال در استفاده از فرصت‌های شان و البته واکنش‌های دروازه‌بان تیم الحسین. مسلم‌ترین و محرزترین موقعیت استقلال دقیقه ۸ بازی از دست رفت؛ جایی که علیرضا کوشکی یک سانتر طلایی را در پشت خط ۶ قدم دروازه حریف برای سعید سحرخیزان ارسال کرد اما وی در حالی که می‌توانست توپ را از آن فاصله نزدیک سرزرب شلیک کند، قصد کنترل و سپس ضربه‌زنی را داشت که توپ از پایش جدا شد و فرصتی عالی را از دست داد. بشار دیگر هم تعلق این مهاجم روی پاس عرضی یاسر آسانی در دقیقه ۴۳، باعث از دست رفتن فرصت درون ۱۸ قدم حریف شد. نیمه دوم نیز همین عامل یعنی بی‌دقتی یا کم‌دقتی بازیکنان استقلال مانع رسیدن‌شان به گل شد. اینها البته جدا از موقعیت‌هایی بود که واکنش‌های ابولیل‌ا اجازه نداد به ثمر بنشیند. ۲- مساله بعد که مانع پیروزی آبی‌پوشان ایران در روز شایستگی‌شان و برد زردپوشان اردنی شد، ۲ تصمیم تعیین‌کننده داوری بود. دقیقه ۶۳ رک رستم آشورماتف با تصمیم بسیار سختگیرانه و البته مشکوک «وار» مردود اعلام شد و موضوعی هم که از چشم گروه عامل دور ماند و حتی خود استقلالی نیز بدان معترض نشدند تا به بازیابی در اتاق «وار» رود، اعلام اشتباه کرنری بود که در ادامه به گل اردنی‌ها منجر شد. در این صحنه شوت بازیکن تیم الحسین بدون برخورد به آشورماتف و فرعباسی به تور کنار دروازه استقلال خورد اما داور به جای اعلام ضربه دروازه به سود آبی‌پوشان، به اشتباه نقطه کرنر را نشان داد و توپ برگشتی از همین کرنر با شوت ابوجلبوش تک گل بازی را به نفع حریف اردنی رقم زد. اعتراض کادر فنی یا بازیکنان می‌توانست داور را مجاب به بازیابی صحنه کند اما آنها نیز در چنین مورد مهمی غفلت نشان دادند.

علاوه بر موارد فوق باید به ۲ موضوع دیگر نیز اشاره کرد:

الف- قانون نانوشته فوتبال، استقلال را در این بازی بشدت تنبیه کرد، چرا که آنها قدر فرصت‌های متعدد خویش را ندانستند و در عوض الحسین از فرصت‌های اندک خویش بهترین استفاده ممکن را برد تا با خیال آسوده‌تری به بازی برگشت در زمین خود برسد.

۲- برخلاف سرمربی برزیلی تیم الحسین، تعویض‌های سایپنتو گرهی از کار بسته استقلال بویژه در نجات از شکست به اصطلاح خانگی نشود و این تیم مجبور است هفته آینده در خانه حریف تلاشی دوچندان کند تا از حذف در این مرحله جلوگیری کند.

البته این بازی نشان داد شکست تیم اردنی در خانه خودش نیز کار چندان سختی نخواهد بود، به شرطی که استقلالی‌ها چنین نمایشی را توأم با دقت بیشتر و اشتباه کمتر کنند تا باز اسیر بخت ناموافق نشوند.

راهی که گلاب‌اتور را

به دوینده ملی جهانی می‌رساند

کامران قاسم‌پور در مسابقات کشتی آزاد قهرمانی آسیا روی تشک خواهد رفت و این رویداد مسیر او را برای مسابقات جهانی مشخص می‌کند.

به گزارش فارس، قاسم‌پور که ۲ مدال طلای جهانی را در وزن ۹۲ کیلوگرم در کارنامه دارد، بعد از جراحی حسن بردانی و با نظر مثبت کادر فنی به وزن ۸۶ کیلوگرم آمد اما این وزن برای گلاب‌اتور خوش‌بین نبود، چرا که نه در مسابقات جهانی و نه در بازی‌های کشورهای اسلامی موفق به کسب مدال طلا نشد. با این وجود هنوز کادر فنی از او ناامید نیست، چرا که قرار است این کشتی‌گیر در مسابقات قهرمانی آسیا که فردردین در بیشکک قریقیزستان برگزار می‌شود، روی تشک برود.

قاسم‌پور جدا از کسب هر نوع مدال، در صورتی که بتواند نظر کادر فنی را در مسابقات قهرمانی آسیا جلب کند، نماینده کشورمان در مسابقات جهانی بحرین خواهد بود.

علی سوادکوهی در این وزن در مسابقات قهرمانی کشور عنوان نخست را کسب کرد اما در مسابقات رتکنینگ جهانی کرواسی نتیجه مطلوب نگرفت و نتوانست نظر کادر فنی را جلب کند.

استقلال ساپینتو؛ تیمی میان امید، تردید و تلاطم گاه و بیگاه

آبی بی‌قرار



دائمی نیست، برای رسیدن به جام، باید از نوسان عبور کرد؛ باید میان حمله و دفاع، میان جوانی و تجربه، میان انگیزه و تمرکز تعادل ساخت.

هوادار استقلال حق دارد هم امیدوار باشد و هم نگران. امید از جدول می‌آید، از شانس در ۳ جبهه، از خاطره بازگشت‌های ناگهانی. نگرانی از همان ناپایداری می‌آید که هر لحظه ممکن است همه چیز را بر هم بزنند. تیمی که می‌تواند در ثانیه‌های پایانی بازی را ببرد، همان تیمی است که می‌تواند در یک لحظه عدم تمرکز، همه چیز را واگذار کند.

شاید بزرگ‌ترین چالش سایپنتو، رساندن تیم به آرامش باشد؛ آرامشی نه به معنای کند شدن، بلکه به معنای کنترل ضربان بازی. استقلال اگر بتواند ذهنش را منظم کند، اگر بداند هر مسابقه را چگونه مدیریت کند، ابزار قهرمانی را دارد اما اگر همین ریتم سینوسی ادامه پیدا کند، مسیر به جای صعود، پر از پیچ‌های خطرناک‌تر خواهد شد.

استقلال این فصل، داستان تضادهاست؛ تیمی که می‌تواند در یک قاب، هم رویا باشد و هم کابوس. هوادارانش میان امید و تردید زندگی می‌کنند.

شاید بهترین توصیف برای این تیم همین باشد: می‌شود به آن دل بست اما نمی‌شود چشم‌پسته به آن اعتماد کرد. آینده آبی‌ها نه سیاه است و نه سفید؛ خاکستری پرهیجانی است که هر هفته رنگ عوض می‌کند.

باشد. با حذف مدعیانی چون پرسپولیس و سپاهان، راه هموارتر از همیشه است اما خطر دقیقاً همین جاست؛ استقلال بیشتر از هر حریفی، از خودش ضربه خورده است. اگر تمرکز از دست برود، اگر مدیریت لحظه‌های حساس سست شود، همین فرصت طلایی هم می‌تواند به یک حسرت تازه بدل شود.

در بیرون زمین هم آرامش حکم‌فرما نیست؛ پنجره نقل‌وانتقالات بسته است اما لیست خروج باز می‌شود، رامین رضاییان جدا شد، ابوالفضل جلالی میان خروج و حضور در ترکیب اصلی در رفت‌وآمد است و حسین گودرزی که آماده نشان می‌دهد، برای بازگشت جلالی نیمکت‌نشین می‌شود. این تصمیم‌ها بیش از آنکه برنامه‌ریزی‌شده به نظر برسد، شبیه واکنش‌های مقطعی است. تیمی که می‌خواهد قهرمان

شود، باید تکلیفش را با خودش روشن کند؛ بداند چه می‌خواهد و با چه نگرانی می‌خواهد.

سایپنتو مربی کم‌جسارانی نیست، شخصیتش، فوتبالش، حتی واکنش‌های کنار زمینش نشان می‌دهد از ریسک نمی‌ترسد اما قهرمانی فقط محصول هیجان نیست؛ نیازمند نظم، تدلوم و مدیریت بحران است. استقلال در برخی مسابقات با شوک مثبت نتیجه گرفته اما شوک‌درمانی نسخه

هم به زحمت می‌افتد که انگار انرژی‌اش تحلیل رفته است. این نوسان، فقط فنی نیست، بخشی از آن به ذهنیت تیم برمی‌گردد؛ به اعتماد به نفس شکننده‌ای که با هر گل خورده ترک برمی‌دارد و با هر برد نفس می‌گیرد.

در لیگ برتر، عدد ۳۵ کنار نام استقلال نشسته؛ عددی که در کنار تراکتور و سپاهان معنا پیدا می‌کند اما صدرنشینی مشترک، لزوماً نشانه اقتدار نیست. استقلال در هفته‌هایی که می‌توانست فاصله بسازد، برابر ذوب‌آهن و پیکان امتیاز از دست داد؛ این یعنی فرصت‌سوزی. رقبای مستقیم هم لغزش داشتند اما تیم سایپنتو نتوانست از این لغزش‌ها پالی برای جهش بسازد. قهرمان شدن، فقط به امتیاز جمع کردن نیست؛ به استفاده از لحظه‌هاست، به شکار زمان‌های طلایی.

در لیگ قهرمانان آسیا نمایش هجومی مقابل الحسین امید را زنده کرد اما یک ضربه از راه دور همه چیز را بسر زد. تیمی که می‌خواهد در قاره قد بکشد، باید در لحظه‌های بحرانی آرام بماند. استقلال هنوز شانس دارد؛ بازی برگشت باقی مانده و خاطره صعود از مرحله گروهی پس از شروعی لرزان نشان می‌دهد این تیم توان برخاستن دارد اما پرسش پابرجاست: چه زمانی ثبات به اردوگاه آبی می‌آید؟

جام حذفی شاید ساده‌ترین مسیر به جام



مخالفت هیأت‌مدیره استقلال با پیشنهاد تغییر کادر فنی

ردبرکناری



مشکلات زیرساختی اشاره کرده؛ از نبود زمین تمرین استاندارد گرفته تا دشواری‌های میزبانی مسابقات. بسته بودن پنجره نقل‌وانتقالات زمستانی و محدودیت‌های پیش رو برای تابستان نیز مزید بر علت شده است. او معتقد است بدون تقویت فهرست

بازیکنان، رقابت در ۳ جبهه بسیار دشوار است.

در سویی مقابل، تاجرنیا از انتقادهای علنی سرمربی در نشست‌های خبری دلخور است. از نگاه سرپرست باشگاه، طرح مسائل داخلی در رسانه‌ها به اعتبار مدیریتی باشگاه لطمه می‌زند. همین تضاد نگاه، رابطهای شکننده ساخته که با هر نتیجه ضعیف، ترک تازه‌ای برمی‌دارد. این نخستین‌بار

نیست که پس از یک باخت، بحث تغییر کادر فنی مطرح می‌شود؛ در مقاطع قبلی نیز چنین مسائلات، بسته بالا گرفت اما هر بار با یک پیروزی یا حمایت مقطعی فروکش کرد.

نشانه‌های فاصله‌میان این ۲ چهره حتی در سفر اخیر تیم به امارات هم

دیده شد؛ جایی که تاجرنیا جدا از کاروان استقلال راهی دویی شد. این جزئیات کوچک، در فضای رسانه‌ای بزرگ می‌شود و تصویر یک شکاف عمیق‌تر می‌آید. حالا هم پس از شکست آسیایی، دوباره همان سناریو تکرار شده است؛ پیشنهاد تغییر، بحث‌های داخلی و در نهایت مخالفت هیأت مدیره. تصمیم اخیر هیأت مدیره نشان می‌دهد اکثریت مدیران

تیم ملی کماکان به دنبال حریفان صاحب‌نام برای بازی تدارکاتی

فعلاً در حد حرف!



آفریقا؛ پاسخ‌های سرد

برای فیفادی مارس، با توجه به حضور مصر در گروه ایران، تمرکز روی یک رقیب آفریقایی قرار گرفت. نام تونس زودتر از بقیه شنیده شد اما مذاکرات خیلی زود متوقف شد. سپس گزینه‌های الجزایر و کامرون مطرح شدند. الجزایری‌ها پاسخ منفی صریح دادند. درباره کامرون، تصور بر این بود با چراغ سبز ساموئل اوتو، رئیس فدراسیون این کشور، بازی دوستانه در ترکیه نهایی می‌شود. حتی صحبت از پیشرفت مذاکرات به میان آمد.

با این حال، افزایش رقم درخواستی کامرونی‌ها همه چیز را معلق کرد. در شرایطی که زمان به سرعت می‌گذرد، هنوز قراردادی امضا نشده و تقویم مارس خالی مانده است. این سلسله پاسخ‌های منفی و شروط مالی جدید، پروژه انتخاب حریف مناسب را وارد مرحله‌ای بحرانی کرده؛ هر مرحله‌ای که نه تنها جنبه فنی، بلکه حیثیتی هم دارد. تیمی که باید در جام‌جهانی مقابل بلژیک و مصر بایستد، هنوز رقیب تمرینی مناسب پیدا نکرده است.

گزینه‌های اروپایی و تورنمنت بحث‌برانگیز

در مسیر شبیه‌سازی بازی برابر بلژیک، نام ایسلند و اسکاتلند هم مطرح شد. برنامه این بود که یکی از این ۲ تیم اروپایی در مارس رویه‌روی ایران قرار گیرد اما ایسلند مسابقه با کاتانا و هائیتی را در برنامه گذاشت و اسکاتلند هم پیشنهاد زاپین را پذیرفت. به این ترتیب، این ۲ مسیر نیز بسته شد.

در حال حاضر، تنها پیشنهاد جدی، حضور در تورنمنت چهارجانبه‌ای در اردن است؛ رقابتی با حضور اردن، نیجریه و کاستاریکا اما چند نکته این گزینه را مبهم کرده است: نخست اینکه جز اردن، هیچ‌یک از این تیم‌ها در جام‌جهانی ۲۰۲۶ حاضر نیستند؛ دوم شرایط منطقه‌ای و هم‌مرز بودن اردن با اسرائیل باعث تردید در پذیرش پیشنهاد شده است. این تورنمنت از نظر فنی شاید فرصتی برای بازی باشد اما با وعده دیدارهای سطح بالا و «جاندار» که مهدی تاج مطرح کرده بود، فاصله دارد.

اکنون وضعیت روشن است: تقویم تیم ملی تقریباً خالی است و مذاکرات متعده به نتیجه نرسیده. قرار است هفته آینده رازی‌نی‌ها تازه‌ای آغاز شود اما زمان عنصر بی‌رحمی است که منتظر توافقی نمی‌ماند. تیم ملی ایران برای حضور موفق در جام‌جهانی نیازمند آزمون‌های جدی و برنامه‌ریزی دقیق است، اگر این پلاکتلفی ادامه پیدا کند، نه تنها آمادهمساری فنی آسیب می‌بیند، بلکه اعتماد عمومی هم خدشه‌دار می‌شود. در فوتبال مدرن، فرصت‌ها تکرار نمی‌شود؛ با باید آنها را شکار کرد یا نظاره‌گر سوختن‌شان بود.



کمتر از ۴ ماه تا شروع جام‌جهانی ۲۰۲۶ مانده و قرار است تیم ملی ایران برابر بلژیک، مصر و نیوزیلند صف‌آرایی کند. برنامه‌ریزی اولیه چنین بود که امیر قلعه‌نویی فهرستی از رقبای مناسب ارائه

دهد؛ حریفانی هم‌سبک با تیم‌های هم‌گروه تا شبیه‌سازی دقیق‌تری از شرایط مسابقات فراهم شود. در این چارچوب، مذاکره با اسپانیا به نقطه‌ای رسید که همه چیز قطعی به نظر می‌رسید؛ حتی صحبت از پرداخت ۱.۵ میلیون دلار برای برگزاری مسابقه در ورزشگاه ربابور لاکرونیا مطرح بود و تقابل با تیم لوئیس دلافونته به‌عنوان یک بازی «جان‌دار» در خردادماه روی میز قرار داشت.

اما ورق ناگهان برگشت. خبرها از عقب‌نشینی فدراسیون فوتبال اسپانیا حکایت دارد؛ تصمیمی که فعلاً برگزاری دیدار را منتفی کرده است. این عقب‌گرد در حالی رخ داد که پیش‌تر پرونده مذاکره با پرتغال هم به دلیل اختلاف مالی بسته شده بود. حالا رؤیای تقابل با یک قدرت بزرگ اروپایی در آخرین فیفادی پیش از جام جهانی، رنگ باخته است. فدراسیون امیدوار به احیای مذاکرات است اما در حال حاضر، واقعیت این است که «بازی بزرگ» از دست رفته و برنامه‌ای که می‌توانست معیار جدی آمادگی باشد، دود شده است.

[آس] چه راهی برای برنده شدن!



[اسپورت] همه فاجعه



[موندودورتوو] نگاهی اجمالی به قمرز و سفید



[مارکا] چه حمای!



[آبولا] سقوط ممنوع

